

مسئولیت مدنی سردفتر اسناد رسمی (بخش هفتم)

ناصر نایبی^۱

فصل اول: اصل لزوم پرداخت خسارت

گفتار اول: الزام در جبران خسارت

از آنچه تاکنون گفته شد بدست می‌آید که مسئولیت مدنی به حکم شرع، قانون، عقل و عرف وسیله‌ای برای حفظ مصالح اجتماعی و جبران زیانهای نامشروع است و همانطور که ماده یک ق.م.م.م مقرر داشته (هر کس بدون مجوز قانونی... موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد) بنابراین هدف از مسئولیت مدنی تعیین مسؤؤل پرداخت خسارت است تا زیانی که به ناروا به شخص یا اشخاص تحمیل شده است جبران گردد. بنابراین اصل قطعی در مسئولیت مدنی، الزام مقصر به جبران خسارت است و بدون رعایت این قاعده، مسئولیت مدنی موضوعیت ندارد. تنها وجه ممیزه و فارق مسئولیت مدنی و مسئولیت اخلاقی نیز همین اصل است. اما ضرر و زیانی قابل مطالبه می‌باشد که عرف و یا قانون آن را ضرر تلقی نموده است و به واقع

۱. سردفتر اسناد رسمی ۲۲۱ تهران، عضو هیأت تحریریه مجله کانون و کارشناس ارشد حقوق خصوصی.

ضرر نامتعرف و غیر مشروع از ارکان مسئولیت است و خساراتی که عرفاً قابل اعتناء نیست و یا قانون آن را مباح می‌داند موجب تعهد و ضمان نمی‌باشد، لیکن چنانچه ضرر محقق گردد ضرر وارده اعم از مادی و معنوی به همان نحو که قانون مسئولیت مدنی نیز بر آن تاکید نموده است قابل مطالبه می‌باشد. اینکه سردفتر در قبال چه ضرری مسئولیت دارد و او باید کدام ضرر را جبران نماید می‌توان پاسخ داد با لحاظ مدلول قسمت ذیل ماده ۲۲ قانون دفاتر که اشاره داشته (دعاوی مربوط به خسارات ناشی از تخلفات سردفتران و دفتریاران تابع قوانین و مقررات عمومی خواهد بود) بایستی زیان احتمالی بشرح یاد شده از نظر عرف و قانون قابل جبران باشد و ضرر و زیانی که بر اثر تجاوز به حق قانونی و مشروع تحقق یابد امکان مطالبه آن وجود دارد. بی‌گمان وجود ضرر باید مسلم باشد و مجزّد احتمال ضرر، استحقاق گرفتن خسارت را ایجاد نمی‌نماید و ظن ورود خسارت برای حکم به جبران آن کفایت نمی‌کند مگر اینکه بر طبق سیر طبیعی و متعارف امور احتمال ورود خسارت قوی باشد. بنابر این بنا به مراتب گذشته اولین اصل در پرداخت خسارت مسلم بودن ضرر وارده است. علاوه بر مسلم بودن ضرر بایستی رابطه علیت بین فعل ضرر بار و ضرر احراز شود تا شرایط مطالبه زیان حاصل فراهم گردد. به واقع پس^۱ از احراز مسلم بودن ضرر، بلا واسطه^۲ و مستقیم بودن ضرر از تقصیر سردفتر اسناد رسمی و یا دفترخانه مربوطه نیز ملازمه با تحقق مسئولیت او دارد. از آنجایی که مطالبه خسارت تابع قواعد عمومی است مسئولیت سردفتر موقوف به احراز رابطه سببیت عرفی بین تقصیر و زیان است. هم چنین ضرر باید جبران نشده باشد چون به هر طریقی که از زیان دیده جبران خسارت شود ضرر منتفی شده و امکان مطالبه دو باره آن متصور نیست به طور مثال: اگر خریداری در بیع فاسد که منتهی به تنظیم سند رسمی شده از فروشنده خسارات خود را استیفاء نموده باشد نمی‌تواند مجدداً به علت تقصیر سردفتر از او نیز مطالبه خسارت

۱. ناصر کاتوزیان، مسئولیت مدنی و ضمان قهری، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چ دوم، صص ۱۶۲ و ۱۶۴، چاپ ۱۳۷۸ و حسینقلی حسینی‌نژاد، مسئولیت مدنی، جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، چ اول، بهار ۱۳۷۶.

۲. همان.

کند. هم چنانکه در غصب، مالک با دریافت تمام یا قسمتی از مال مغضوب حق رجوع به قدر مأخوذ را به غاصبین دیگر ندارد. اگر چه اسقاط حق رجوع به یکی از مسؤولان مانع از رجوع به دیگران نیست مگر اینکه زیان دیده بنوعی از اصل حق خود بر مطالبه زیان انصراف حاصل نماید. لذا در مورد سردفتر اسناد رسمی نیز می توان چنین حکمی را استقراء و تعمیم داد و مسئولیت او را محدود به مواردی دانست که زیان متضرر توسط دیگری پرداخت نشده باشد اما مسئولیت سردفتر در قبال خسارت مادی و معنوی بالحفاظ اطلاق اصل لاضرر و قواعد مسئولیت مدنی ثابت می باشد.

شرط برقراری مسئولیت جبران خسارت در نظام حقوقی فرانسه با ضوابط معمول در حقوق ایران مشابهت دارد چون که حسب ماده ۱۳۸۲ ق.م فرانسه اگر چه هر شخص حقیقی یا حقوقی می تواند برای مطالبه غرامت از سردفتر به دادگستری مراجعه نماید اما پرداخت خسارت موکول است به اینکه ثابت شود اولاً سردفتر مرتکب تقصیر شده است، ثانیاً خسارت نتیجه مستقیم همان تقصیر است ثالثاً علاوه بر آن تحصیل و ارائه دلایل مزبور نیز بر عهده مدعی است. البته مسئولیت سردفتر درخصوص انجام نمایندگی تابع مسئولیت قراردادی است که در حقوق ایران متعارف نمی باشد و نسبت به تقصیر ناشی از رفتار کارمندان دفترخانه تنها در صورتی که حاصل تصدی امور دفتر باشد بر عهده سردفتر می باشد و نسبت به امور و عملیات خارج از وظایف کارمند و یا مواردی که حاصل تبانی کارمند و مشتری با یکدیگر است تسری ندارد.^۱

اما نکته حائز اهمیت بیمه الزامی مسئولیت سردفتر است یعنی اینکه مسئولیت مدنی او در برابر خسارتهای احتمالی دارای پوشش بیمه می باشد و علاوه بر پوشش بیمه، صندوقهایی نیز توسط شورای منطقه ای و یا شورای عالی محضرداران تأسیس گردیده که خسارات ناشی از خطارهای خارج از قرارداد بیمه مسئولیت مدنی را تأمین و تضمین می کند و بدین وسیله امنیت لازم را برای مشتری و هم چنین سردفتر برقرار ساخته

است.^۱ لذا برخلاف روش جاری در ایران که سردفتر بدون کمترین حمایت بیمه‌ای و صنفی در برابر مسئولیت سنگین خود تنها می‌باشد. به واقع نوع نگاه نظارتی مراجع قانونی به مرجع اولیه اجرای وظیفه ثبت اسناد (مباشرین ثبت) بنحو مذکور در قانون اولیه ثبت اسناد و املاک، با قانون فرانسه قرابت بیشتری دارد تا وضع کنونی که سردفتر زیر مجموعه سازمان اداری ثبت و تحت نظارت اجرایی و انتظامی کارکنان اداری ثبت می‌باشد. مهمتر آنکه در نظام حقوقی فرانسه و آلمان صدور حکم مجازات ممنوعیت شغلی یا انفصال، از سوی مرجع قضایی صورت گرفته و حتی تعلیق موقتی قبل از تعقیب جزایی یا انضباطی (هم چون دستور موضوع ذیل ماده ۴۲ ق.د.ا.ر مصوب ۱۳۵۴) نیز منوط به تصمیم دادگاه شهرستان است نه صرف تمایل و تصمیم مقامات اداری ثبت، به نحوی که در سیستم حقوقی ما معمول است.^۲ شیوه معمول در فرانسه در حقوق آلمان نیز جاری می‌باشد و خسارات ناشی از خطرهای شغلی مربوط به فعالیت حرفه‌ای و فعالیت افراد تحت نظارت سردفتر تحت پوشش بیمه اجباری است که نزد مؤسسه بیمه محل، مطابق شرایط مقرر از طرف هیأت نظارت برقرار گردیده است. این بیمه شامل همه موارد و هر خسارتی است که علیه سردفتر ادعا شود لیکن در صورت عدم کفایت پوشش بیمه سردفتر، نسبت به مازاد سردفتر خود مسؤول است.^۳

گفتار دوم:

میزان خسارت

جبران خسارت زیان دیده ناظر به اعاده وضع متضرر^۴ به حالت قبل از ورود ضرر است بنحوی که با تأمین شرایط پیشین و یا جبران خسارت به میزان معادل ضرر، خسارت

۱. دکتر حسینقلی حسینی‌نژاد، مجله کانون سردفتران، شماره ۱۴، ص ۳۸، پاییز ۱۳۷۷.

۲. همان مرجع، صص ۵۹ و ۶۰.

۳. سردفتری در کشور آلمان <http://www.bnotk.de>

۴. ناصر کاتوزیان، مسئولیت مدنی و ضمان قهری، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چ دوم، ص ۳۲۴، ۱۳۷۸.

زیان دیده جبران شود و زیان دیده موقعیت مالی قبلی خود را باز یابد لذا چون دفترخانه (سردفتر) مستقیماً با عین اموال سرو کار ندارد و دخالت او به طور غیر مستقیم و مؤخر بر وقوع و جریان اعمال و وقایع حقوقی اشخاص است عرفاً مسئولیت وی محدود به جبران معادل ضرر است تا زیان به طور کامل جبران شود. البته این امر نافعی اختیار سردفتر به تسلیم مثل و یا قیمت و یا بدل مال نمی‌باشد هر چند که هم اکنون در عرف غلبه با پرداخت خسارت زیان دیده با پول رایج است و موارد دیگر کمتر مشاهده می‌گردد کما اینکه رویه قضایی نیز با توجه به تعذر رد مثل به پرداخت پول متمایل شده است اما این دشواری مترادف عدم امکان نبوده و نافی تراضی طرفین نسبت به چگونگی و میزان زیان نیز نمی‌باشد. ماده ۳ ق.م.م که به دادگاه اجازه داده است میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین کند مثبت این واقعیت است که انتخاب طریقه مقتضی موکول به شرایط خاص هر مورد بوده و قانون نیز روشی خاص و انحصاری را در این باره وضع ننموده است تا هم متعهد قادر به ایفای تعهد خود گردد و هم اینکه خسارت زیان دیده سریعتر و بهتر جبران شود. بنا به مراتب یاد شده عرف جاری در پرداخت خسارت بصورت پرداخت پول است. پرسش اصلی این مبحث نحوه تقویم خسارت و میزان آن است، چونکه به علت فاصله زمانی بین لحظه ورود خسارت تا لحظه ایفای تعهد احتمال تغییر در میزان خسارت مطرح می‌گردد و معلوم نیست که آیا تعهد مقصر به جبران خسارت روز وقوع حادثه زیانبار است یا روز ایفای تعهد مربوط به جبران غرامت و زیان وارده. آنچه که با تفحص در قواعد عام و کلی مسئولیت بدست می‌آید وظیفه سردفتر به جبران خسارت ناشی از وظایف مربوطه محدود به خسارت روز فعل زیان آور نمی‌باشد چنین استنباطی با هدف مسئولیت مدنی که اعاده وضع پیشین زیان دیده بحال قبل است نیز موافقت دارد بنابراین این سردفتر اسناد رسمی ملزم به جبران خسارت به میزانی است که در روز ادای دین حاصله تقویم می‌گردد. و این واقعیت با توجه به احتمال افزایش قیمت‌ها و تنزل ارزش پول با عدالت نیز سازگار می‌باشد اما می‌توان ادعا کرد در فرضی که رضایت و اراده زیان دیده در ورود زیان مؤثر بوده است اگر چه به سبب آمریت

قواعد و موازین حاکم بر وظایف سردفتر و ارتباط آن با نظم عمومی تراضی بر خلاف آن فاقد اثر می‌باشد اما می‌تواند صرف نظر از مسئولیت‌های قانونی و حرفه‌ای سردفتر، با توجه به شرایط و اوضاع و احوال در تقلیل و تخفیف مسئولیت او مؤثر واقع شود. با لحاظ مراتب معلوم گردید که در مسئولیت مدنی سردفتر اسناد رسمی، اصل بر جبران کلیه خسارات به تاریخ ایفای تعهد است و منعی نیز در شکل و نحوه پرداخت در قانون پیش بینی نشده است و در غیر تراضی با تعیین دادگاه ملزم به جبران خسارت خواهد بود.

فصل دوم: انواع خسارت قابل مطالبه

مبحث اول: خسارت قابل مطالبه در مسئولیت‌های حرفه‌ای و انواع آن

همان گونه که بیان گردید خسارت قابل مطالبه در مسئولیت حرفه‌ای غالباً منشأ قراردادی دارد اما در مسئولیت حرفه‌ای یکی از شروط امکان مطالبه خسارت، قابل پیش‌بینی بودن خسارت توسط عامل زیان است و این ضرورت ناشی از تخصص و علم شاغلین حرفه‌ای و احاطه آنان به آثار و تبعات خطاهای احتمالی حرفه مربوط است^۱ و تفاوت دیگر خسارت قابل مطالبه در مسئولیت حرفه‌ای با سایر مسئولیت‌ها امکان مطالبه خسارت ناشی از عدم انجام تعهد و یا نقض تعهد در مواردی است که قابل مطالبه بودن زیان در قرارداد تصریح نشده باشد به عبارت دیگر التزام به جبران خسارت ناشی از تقصیر در اجرای قرارداد منحصر به قید آن در قرارداد نیست بلکه مستقلاً قابل مطالبه می‌باشد به عبارت دیگر با لحاظ اطلاق احکام اتلاف و تسبیب که ضمان ناشی از آنها جنبه غیر قراردادی داشته و مبتنی بر تصور تقصیر عرفی و قانونی است چنانچه مطالبه خسارت ناشی از عدم انجام تعهد در قرارداد پیش‌بینی نشده باشد و عرفاً نیز مطالبه زیان از وی ممکن نگردد می‌توان مقصر را مسئول جبران خسارات ناشی از نقض تعهد دانست.

گفتار اول: خسارات عمومی و خسارات اختصاصی

پس از جمع شدن ارکان مسئولیت یعنی ضرر و خسارت و رابطه علیت بین آنها،

۱. نصراله قهرمانی، مسئولیت مدنی وکیل دادگستری، مؤسسه چاپ و نشر نظر، ص ۶۲ پاییز ۱۳۷۷.

امکان مطالبه خسارت فراهم می‌گردد. منظور از خسارت عمومی ضرر و زیانی است که دادگاه ورود آنها را حتمی فرض می‌نماید و مورد تأیید قرار می‌دهد مانند زیانهای معنوی ناشی از فوت شخص بر اثر بی احتیاطی پزشک معالج و یا صدمه حیثیتی و عاطفی که متوجه شخص زیان دیده می‌گردد. هر چند که این نوع خسارت دقیقاً قابل محاسبه نیست، اما خسارات اختصاصی که وقوع آن نیازمند اثبات تخلف است دقیقاً قابل محاسبه است مانند هزینه دادرسی. این تقسیم بندی مبتنی بر روش معمول در نظام حقوقی انگلیس و کانادا می‌باشد لیکن بعضی از سیستم‌های حقوقی آن را به خسارات مادی و معنوی تقسیم کرده‌اند.

گفتار دوم: خسارات ناشی از تلف شدن مال و خسارات ناشی از فوت منفعت

تقسیم بندی دیگری که در حقوق نیز پذیرفته شده است تقسیم خسارت به خسارت ناشی از تلف شدن مال و خسارت ناشی از فوت منفعت می‌باشد.^۱ چون مفهوم ضرر مشتمل بر هر نوع لطمه و نقص وارد به اموال است و از دست دادن منفعت مسلم و یا صدمه به سلامت و حیثیت و عواطف اشخاص از ضررهای مالی، زیان وارده در نتیجه از بین رفتن اعیان اموال، کاهش ارزش اموال، مالکیت معنوی یا از بین رفتن منفعت و صدمه‌های به سلامت و حیات شخص می‌باشد. چنانکه ماده ۷۲۸ قانون آئین دادرسی مدنی مقرر داشته «ضرر ممکن است بواسطه از بین رفتن مال باشد یا بواسطه فوت شدن منفعتی که از انجام تعهد حاصل می‌گردیده است» بنابراین خسارت منافی که انتظار حصول آن می‌رفته نیز قابل مطالبه است و تردید ناشی از غیر قابل مطالبه بودن عدم النفع مخالف با صریح قانون است و بر این اساس اجرت المثل و منافع تفویت شده مال مغضوب را دادگاه مورد حکم قرار می‌دهند. بهر حال منافع آتی که احتمال حصول آن مسلم باشد یعنی منافی که حصول آنها مبتنی بر ظن قوی باشد نه یقین کامل چونان که زیانهای معنوی و حیثیتی و اعتباری افراد که مبتنی بر ظن می‌باشد نیز قابل مطالبه است.

گفتار سوم: خسارات مادی و معنوی

چنانکه توضیح داده شد هرگونه ضرر و خسارتی که متوجه اعیان اموال، نقص منفعت و موارد مالی است خسارت مادی نامیده می‌شود و هرگونه خسارتی که موجب ورود لطمه به حیثیت و شهرت و اعتبار اشخاص یا تألم و تأثر روحی و آسیب به عواطف آنان می‌گردد خسارت معنوی گفته می‌شود. این تقسیم بندی بیشتر از این حیث قابل اهمیت است که مطالبه خسارات ناشی از لطمه‌های روانی مورد تردید قرار گرفته است.

مبحث دوم: عدم ضرورت قابل پیش‌بینی بودن خسارت در مسئولیت حرفه‌ای

و مبنای حقوق آن

در برخی نظامهای حقوقی در مسئولیت قراردادی، عامل خسارت تنها ملزم به جبران خساراتی است که در قرارداد پیش‌بینی شده است و یا در نظر عرف مورد انتظار بوده است اما در قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی ایران حکم روشنی در مورد لزوم پیش‌بینی ضرر وجود ندارد. در فقه تمایزی بین مسئولیت قهری و قراردادی وجود ندارد چون هر دو نوع مسئولیت مبتنی بر قواعد اطلاق و تسبیب می‌باشد، لیکن بعضی از فقها در تعریف تسبیب، شرط مسئولیت مسبب را قابل پیش‌بینی بودن ضرر از سبب ایجاد شده می‌دانند.^۱ در حقوق آلمان تفکیکی بین مسئولیت‌های مزبور وجود نداشته و مسئول ورود خسارت بدون توجه به قراردادی یا قهری بودن مسئولیت، ملزم به جبران خسارت می‌باشد اما در حقوق انگلیس دادگاهها به ضرورت پیش‌بینی نمودن ضرر قابل مطالبه تأکید کرده‌اند.

مبنای حقوقی ضابطه قابل پیش‌بینی بودن ضرر ناشی از مسئولیت حرفه‌ای همانطور که گفته شد چون بین نظام‌های مختلف حقوقی نسبت به اصل قابل پیش‌بینی بودن ضرر اختلاف است لذا طرفداران و مخالفین هر کدام در توجیه نظر خود استدلالهای گوناگونی را ارائه داده‌اند.

عده‌ای اظهار داشته‌اند اگر ایراد ضرر به سبب تخلف از مفاد قرارداد موجب ضمان

است چرا بایستی از قواعد عمومی مسئولیت مدنی غفلت نمود و برای مسئولیت متخلف در جبران خسارت، شرط دیگری اضافه بر شرایط عمومی مسئولیت قرارداد.^۱

در پاسخ، مخالفین استدلال نموده‌اند در مسئولیت قهری، مسئولیت افراد در جبران خسارت ناشی از حکم قانون است و اراده افراد در ایجاد مسئولیت تأثیری ندارد لیکن در مسئولیت قراردادی که مبتنی بر توافق طرفین قرارداد می‌باشد آثار قرارداد نتیجه توافق است. بنابراین خسارتی که در چهارچوب توافق پیش‌بینی نشده است، قابل مطالبه نمی‌باشد مگر اینکه معلوم شود متعهد از نتیجه فعل ارتكابی آگاه بوده است.

در حقوق ایران طبق ماده ۲۲۱ ق.م. که متعاملین را صرفاً پای بند به آنچه در عقد ذکر شده نمی‌داند و به لوازم عرفی و قانونی عقد نیز ملتزم می‌داند مسئولیت مقصر محدود به فرض پیش‌بینی نمودن خسارت در عقد نیست بلکه به دلالت قانون و عرف نیز مقصر مسئول جبران خسارات وارده می‌باشد و به عبارت دیگر هر مقدار خسارتی که عرفاً ناشی از رابطه سببیت بین عامل ورود زیان و خسارت باشد قابل مطالبه هست. بنابراین با توجه به اینکه منبع مسئولیت قراردادی، تخلف از مفاد قرارداد است و نه تراضی و توافق طرفین قرارداد، لذا مبنای خسارت توافق بین طرفین نیست تا پیش‌بینی بودن خسارت به عنوان شرط قابلیت مطالبه آن منظور گردد.

همین معنا از فقه نیز که مسئولیت حرفه‌ای پزشک را مشروط به شرط پیش‌بینی زیان ننموده و مسئولیت مطلق برای پزشک قائل گردیده استنباط می‌شود زیرا علی‌رغم مسئولیت قراردادی پزشک در برابر زیان‌های ناشی از درمان و عمل بیمار، مسئولیت وی تابع قواعد عمومی اتلاف و تسبیب است که در آن چنین شرطی مطرح نمی‌باشد و مواد ۳۱۹ و ۳۲۱ ق.م.ا نیز مسئولیت مطلق پزشک را مورد پذیرش قرار داده است.

به‌طور کلی در مسئولیت حرفه‌ای ضابطه قابل پیش‌بینی بودن خسارت آسانتر به‌نظر می‌رسد چون برای اشخاص متخصص به اعتبار تخصص و دانش بالای حرفه‌ای پیش‌بینی خسارات دور و نزدیک ناشی از خطاهای احتمالی شغلی امری آسان است و بر

این اساس نیز مسئول کلیه اعمال زیانبارشان می‌باشند.

به واقع می‌توان ضابطه قابل پیش‌بینی بودن ضرر را به ضابطه سببیت نیز حمل نمود چون به موجب این اصل نیز هر نوع خسارتی که بر حسب سیر طبیعی امور قابل پیش‌بینی نوعی باشد و از تبعات تقصیر قراردادی است را می‌توان تحت شمول قواعد مسئولیت مدنی دانست. لیکن به جهت اینکه اصل ضرورت پیش‌بینی ضرر در پاره‌ای موارد جنبه شخصی دارد و اثبات آن دشوار می‌باشد می‌توان از مفاهیمی مانند خسارت دور و نزدیک برای تعیین خسارت قابل مطالبه بهره گرفت.

مبحث سوم: مسئولیت سردفتر در قبال خسارات معنوی

اگر چه در متون قانونی صراحتاً اشاره‌ای به مسئولیت سردفتر در قبال خسارات معنوی اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی نشده است اما می‌توان با استناد به اصول و قواعد کلی مسئولیت مدنی، خصوصاً قانون مسئولیت مدنی، این وجه از مسئولیت را نیز برای سردفتر اسناد رسمی اثبات نمود. هر چند در بادی نظر ممکن است تصور شود وظایف خاص سردفتر که اهم آنها تنظیم سند و ثبت آن و رسمیت دادن به آنست نمی‌تواند منشأ خسارت معنوی گردد اما با دقت در فحوائی نصوص قانونی و از جمله ممنوعیت سردفتر از افشاء اسرار مراجعین دفتر که مفهوم وصف معنوی است و هم چنین مدلول احتمالی بعضی از اسناد که صرفاً موجب زیان معنوی است احتمال خسارات معنوی ناشی از اقدامات دفترخانه امری واقعی و محتمل می‌نماید بنابر این همانطور که در بحث مسئولیت مدنی، مسئولیت مقصر اعم از مسئولیت جبران زیانهای مادی و معنوی است، سردفتر نیز از این حیث هیچگونه امتیازی بر سایرین ندارد. لذا در قبال هر گونه خسارتی که از ناحیه اجرای وظایف قانونی دفترخانه به اشخاص وارد گردد دارای مسئولیت بوده و ملزم به جبران خسارات می‌باشد. لیکن اینکه جبران کدام ضرر و زیان بر عهده سردفتر است و آیا او در برابر ضرر و زیانهای معنوی غیر مستقیم نیز مسئولیت دارد یا نه در بخش‌های آتی در شرح اسباب مؤثر ورود خسارت و سبب مستقیم و غیر مستقیم بیان خواهد شد و در این خصوص به همین مختصر بسنده می‌گردد و اصل مسئولیت کلی سردفتر را در برابر

زیانهای مادی و معنوی اشخاص متذکر می‌شود. هر چند که بنظر می‌رسد مسئولیت سردفتر نسبت به زیان معنوی بر خلاف زیان مادی بایستی اثر مستقیم و بلا واسطه ناشی از وظیفه سردفتر باشد. البته سؤال دیگری که در این باره مطرح می‌باشد فرض ادعای زیان معنوی از ناحیه شخص حقوقی می‌باشد. خصوصاً که جنبه‌هایی از زیان معنوی که صرفاً ناظر به شخصیت حقیقی افراد می‌باشد در شخص حقوقی که واجد شخصیت حقیقی نوع انسان نیست موضوعیت ندارد مانند حالت تألم و تأثر روحی و احساسات و عواطف، اما با ملاحظه ماهیت حقوقی شخصیت می‌توان اوصاف آن را در اشخاص حقوقی نیز جستجو نمود. چون که در اشخاص حقوقی نیز اعتبار و حیثیت اجتماعی و حسن شهرت،^۱ موجب رغبت عمومی و در آمد بیشتر آنان می‌گردد.^۲ به همین دلیل نیز چنانچه به حیثیت و شهرت شخص حقوقی لطمه‌ای وارد شود برای شخص حقوقی نیز امکان مطالبه ضرر و زیان معنوی^۳ متصور می‌باشد و هر گونه ضرر حاصل از اقدامات منسوب به دفتر اسناد رسمی که موجب اضرار معنوی شخص حقوقی گردد، جبران خسارات آن متوجه شخص سردفتر اسناد رسمی می‌باشد. به هر حال می‌توان چنین نتیجه گرفت که خسارت معنوی ناشی از زیانهای وارده به شخصیت و اعتبار اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی قابل مطالبه

۱. ماده یک ق.م.م.

۲. نصراله قهرمانی، مسئولیت وکیل دادگستری، مؤسسه چاپ و نشر نظر، صص ۲۸۳ و ۲۸۵، بهار ۱۳۷۷.

۳. ناصر کاتوزیان، مسئولیت مدنی و ضمان قهری، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ص ۱۵۶، چاپ ۱۳۷۸.

و جبران است. هرچند که اصولاً در خسارات معنوی بیش از هر چیز فقدان ضوابط دقیق و عدم امکان تقویم این گونه خسارات به پول به صورت مشکلی اساسی مطرح می‌باشد و همین امر موجب شده تا بین زیان وارده و خسارت قابل جبران تناسب لازم برقرار نگردد.^۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. حسن‌ره پیک، حقوق مدنی (الزامات بدون قرارداد)، ویرایش دوم، چ اول، انتشارات اطلاعات، ص ۱۱۳، تهران، ۱۳۷۶.